

# رابطه خلاقیت و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی نوجوانان و جوانان

دکتر رمضان حسن زاده<sup>۱</sup>

پریسا ایمانی فر<sup>۲</sup>

## چکیده:

هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی خلاقیت و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی نوجوانان و جوانان است. روش پژوهش همبستگی است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه دوم رشته ریاضی فیزیک و علوم تجربی دبیرستان هستند. نمونه آماری شامل ۸۰ دانش‌آموز دختر و پسر که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری برای سنجش خلاقیت پرسشنامه خلاقیت (CREE) تورستون، میلن جر و برای آزمون عزت نفس از پرسشنامه کوپراسمیت (۵۸ سؤالی) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین خلاقیت و عزت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بین خلاقیت و عزت نفس با رشته‌های تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. بین خلاقیت و جنس نیز تفاوت معناداری وجود ندارد. همبستگی عزت نفس با خلاقیت بیشتر از همبستگی عزت نفس با پیشرفت تحصیلی و همین‌طور همبستگی خلاقیت با پیشرفت تحصیلی می‌باشد.

کلیدواژه: خلاقیت، عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، نوجوانان و جوانان.

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی - ساری - [Rhassanzadehd@yahoo.com](mailto:Rhassanzadehd@yahoo.com)

۲. مشاور و دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی - ساری

## مقدمه

مهمترین احساسات نظام‌آموزشی، آماده ساختن افراد برای کسب دانش، مهارت‌های شناختی و شغلی جهت ورود به اجتماع است. جامعه ما هم در حال توسعه و پیشرفت است و عزت نفس از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی است (عباسی، ۱۳۷۸). خلاقیت نیز یکی از برجسته‌ترین توانایی شناختی و یکی از زیباترین جلوه‌های تفکر و اگر است این خصوصیت بسیار بالای انسانی نقش بسیار عمده‌ای در نوآوری و حل مشکلات بشری از کوچکترین و ابتدایی‌ترین آن تا پیشرفته‌ترین یافته‌های بشری در حوزه‌های مختلف فلسفی، فرهنگی، علمی، فنی، هنری... مرهون این ویژگی عالی انسانی است (یزدانی، ۱۳۸۴). عزت نفس ۱، جنبه‌ای از خود پنداره است که از قضاوت‌هایی که فرد درباره ارزش خود و احساس‌های مرتبط با این قضاوت‌ها ناشی می‌شود. (شیهان، ۱۳۸۴) کودکان بین ۶ تا ۷ سالگی، حداقل سه نوع عزت نفس مجزا را شکل می‌دهند: تحصیلی، اجتماعی و جسمانی. که با افزایش سن پالایش بیشتری می‌یابند. برای مثال، احساس ارزشمندی تحصیلی به عملکرد در موضوعات مختلف تحصیلی، احساس ارزشمندی اجتماعی نسبت به همسالان و روابط با والدین تقسیم می‌شود. (برک، ۱۳۸۱) به نظر می‌رسد روش‌های فرزندپروری در رشد عزت نفس تأثیر دارد به طوری که کودکانی که والدینشان از روش فرزند پروری مقتدرانه استفاده می‌کنند احساس خوشایندی نسبت به خود دارند. فرزندپروری صمیمانه و مثبت به آنها امکان می‌دهد که بدانند به‌عنوان فردی ارزشمند و شایسته مورد قبول هستند. (برک، ۱۳۸۱) مطالعات متعددی نشان می‌دهد که کودکان مدرسه‌رو و دارای عزت نفس بالا والدینی دارند که آنها نیز عزت نفس بالایی دارند. (بیابانگرد، ۱۳۸۲) عامل دیگر مؤثر در رشد عزت نفس تفاوت‌های جنسیتی است. برخلاف فقدان تفاوت‌های جنسی آشکار در عزت نفس کلی، شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد دختران و زنان در مقایسه با پسران و مردان فاقد اعتماد نسبت به توانایی‌های خود در موقعیت‌های موفقیت‌آمیز خاص هستند. به بیان دیگر، زنان در مقایسه با مردان انتظار کمتری در مورد عملکردشان دارند و ارزیابی‌هایشان از توانایی‌ها و عملکردهای واقعی خود در برخی موقعیت‌ها پایین‌تر از میزان واقعی است. (بیابانگرد، ۱۳۸۲) و

عامل مهم دیگر فرهنگ است. نیروهای فرهنگی تأثیر عمیقی بر عزت نفس دارند. برای مثال، تأکید خیلی زیاد بر مقایسه اجتماعی در مدرسه می‌تواند توضیح دهد که چرا کودکان تایوانی و ژاپنی، به رغم پیشرفت تحصیلی بیشتر در عزت نفس نمره کمتری از کودکان آمریکایی کسب می‌کنند. در مدارس آسیایی، مقایسه جدی و معیارها بالا هستند. در عین حال کودکان آسیایی برای افزایش عزت نفس شان کمتر به مقایسه اجتماعی می‌پردازند. چون فرهنگ آنها برای فروتنی و هماهنگی اجتماعی ارزش قایل است؛ از اینکه خود را به صورت مثبت ببینند خودداری می‌کنند ولی دیگران را سخاوتمندانه تحسین می‌کنند. (برک، ۱۳۸۱) کوپراسمیت<sup>۱</sup>، خویشتن را عامل بسیار مهمی در ایجاد نوع رفتار می‌داند. او عقیده دارد افرادی که خویشتن-پنداری مثبت دارند رفتارشان اجتماع پسندتر از افرادی است که خویشتن‌پنداری آنان منفی است. کوپراسمیت معتقد است خویشتن‌پنداری بر اثر تعامل بین عواملی مانند پندار والدین درباره فرد، تصور و پندار دوستان و همبازی‌ها در مورد فرد، تصور و پندار معلمان در مورد فرد و تصور و پندار فرد درباره خود حاصل می‌گردد. کارل راجرز<sup>۲</sup>، که روش او پدیدارشناسی و دیدگاهش انسان‌گرایی است، بر ادراک، احساس، خود شکوفایی، مفهوم خویشتن، تکامل شخصیت در دوره‌های بالاتر دوران کودکی و تغییرات مداوم شخصیت تکیه می‌کند. او معتقد است احساس عزت نفس در اثر نیاز به نظر مثبت به خود بوجود می‌آید. نیاز به نظر مثبت دیگران شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت‌آمیز، احترام، صمیمیت، پذیرش و مهربانی از طرف محیط و به خصوص اولیاء کودک می‌شود. آلفرد آدلر<sup>۳</sup>، رابطه بین مادر و کودک، تماس بدنی و روانی به هنگام شستشو، نظافت و لبخندها و واکنش‌های کودک در تحکیم روابط مادر و کودک بسیار احساس می‌داند. در این مقطع زمانی شرایط باید به گونه‌ای فراهم شود که فرد متوجه ارزش شخص و قدرت خویش شود و در نتیجه آن تمایل به تسلط یافتن که در نهاد هر کسی نهفته است ارضاء می‌گردد. موفقیت‌ها و توانایی‌ها و عمل، چیزی جزء اثبات شخصیت و احساس مهتری نیست. (فیست، ۱۳۸۷)

1-Copper Smith

2-Carl Rogers

3-Alfred Adler

خلاقیت<sup>۱</sup> در دودهمه اخیر، مخصوصاً بعد از کارهای گیلفورد<sup>۲</sup>، مورد توجه زیادی قرار گرفته است. اما سؤال اصلی در مورد تعریف خلاقیت تا حدودی لاینحل باقی مانده است زیرا هریک از اندیشمندان به گونه‌ای خلاقیت را تعریف نموده‌اند. در فرهنگ روانشناسی وبر<sup>۳</sup> خلاقیت عبارت است از ظرفیت دیدن روابط جدید، پدیدآوردن اندیشه‌های غیرمعمول و فاصله گرفتن از الگوی سنتی تفکر. به نظر آیزنک<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) خلاقیت فرآیندی روانی است که منجر به حل مسأله، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، ساختن اشکال هنری و نظریه‌پردازی می‌شود که بدیع و یکتاست. (حائری زاده، ۱۳۸۱) به‌طورکلی، خلاقیت فرآیندی فکری و روانی است و محصول خلاقیت، پدیده‌ای نو و جدید و در عین حال دارای ارزش نیز می‌باشد. البته خلاقیت یک توانایی عمومی است و در همه‌ی افراد کمابیش وجود دارد. (سلیمانی، ۱۳۸۴) فرآیند خلاقیت فرآیندی هدفدار یا جهت‌دار، یا برای نفع شخصی یا برای نفع گروه اجتماعی می‌باشد. خلاقیت یکی از راه‌های تفکر است و ناشی از تفکر و اگر است و مترادف هوش نیست که توانایی‌های ذهنی را دربرگیرد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۴) افراد خلاق دارای ویژگی‌هایی نظیر انگیزه پیشرفت سطح بالا، کنجکاوی فراوان، علاقه زیاد به نظم و ترتیب، قدرت ابراز وجود و خودکفایی، شخصیت غیرمتمعارف و کامروا، پشتکار و انضباط در کارها، استقلال و دارای طرز فکر انتقادی و تفکر شهودی می‌باشند. (سیف، ۱۳۸۸)

عواملی همچون دادن زمان آزادانه، برای بازی کردن با افکار و مفاهیم و نیز فرصت برای تنها بودن که کودکان خارج از فشارهای گروه باشند باعث بروز رفتار آفریننده می‌شوند زیرا خلاقیت به رشد و گسترش زندگی تخیلی نیاز دارد. تشویق نمودن مرتب کودکان برای هرکار خلاقانه‌شان و اجتناب از تمسخر و انتقاد باعث بروز افکار خلاق می‌شود. البته خلاقیت مستلزم در اختیار گذاردن مواد و وسایل گوناگون و فراوان می‌باشد. به نظر می‌رسد از همه مهم‌تر رابطه غیر سلطه‌ای والدین - کودک می‌باشد. والدینی که از کودکان حمایت افراطی نمی‌کنند و نه زیاد بر آنها مسلط هستند کودکان را به استقلال و امید به خویشتن تشویق می‌کنند از عوامل مؤثر در

---

1-creativity  
2-G.P.Guilford  
3-Weber  
4-Eysenk

رشد خلاقیت در کودکان می‌باشند. (شعاری نژاد، ۱۳۷۴) رابرت گانیه<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) آفرینندگی را نوعی حل مسأله می‌داند. او در طبقه‌بندی خود از انواع بازده‌های یادگیری، بالاترین طبقه مهارت‌های ذهنی را حل مسأله نامید و طبقه دیگری به آفرینندگی اختصاص نداده است. لفلک<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) نیز از این لحاظ با گانیه هم عقیده است و می‌گوید توانایی آفرینندگی مانند توانایی حل مسأله بر دانش و اطلاعات فرد در زمینه‌ای که به آفرینش دست می‌زند وابسته است. «داشتن یک مخزن غنی دانش در یک زمینه اساس خلاقیت در آن زمینه است.» گیلفورد دو مفهوم عمده تفکر همگرا و تفکر واگرا را معرفی کرد. تفکر همگرا با هوش رابطه دارد اما تفکر واگرا ویژگی مهم آفرینندگی است. این دو جنبه تفکر دو وجه عمده تفکر انسانی هستند. تفاوت آنها در این است که در تفکر همگرا نتیجه تفکر از قبل معلوم است یعنی همیشه یک جواب درست یا غلط وجود دارد. اما در تفکر واگرا جواب قطعی وجود ندارد و تعداد زیادی جواب احتمالی ممکن است موجود باشند که از نظر منطقی هریک از آنها درست است. هر چند که هوش و آفرینندگی به هم وابسته‌اند، اما پژوهش‌ها میزان این وابستگی را چندان زیاد نشان نداده‌اند. به سخن دیگر، بین نمرات حاصل از آزمون‌های هوش و نمرات به دست آمده از وسایل سنجش آفرینندگی همبستگی بالایی وجود ندارد. تورنس<sup>۳</sup> (۱۹۷۵) میانه همبستگی‌های بین نمرات آزمون‌های هوش و آزمون‌های آفرینندگی را در ۱۸۷ پژوهش که به همین منظور انجام گرفته‌اند محاسبه کرد و ضریب همبستگی ۰/۲۰+ را که ضریبی نسبتاً پایین است گزارش کرده است. رابطه بین نمرات آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و آزمون‌های آفرینندگی نیز خیلی چشمگیر نیست. بنابراین، از روی نمرات پیشرفت تحصیلی یا موفقیت‌های کلاسی دانش‌آموزان نیز نمی‌توان افراد خلاق یا افراد دارای تفکر واگرا را انتخاب کرد. با همه اینها، پژوهش‌های بالا را باید با احتیاط تعبیر و تفسیر کرد. میزان قابل توجهی هوش و یادگیری لازمه هرگونه تفکر خلاق است. اما بالاتر از این میزان، نمرات خیلی بالای هوش و پیشرفت تحصیلی در فعالیت‌های فکری خلاق تأثیر چندانی ندارد. (سیف، ۱۳۸۸) در پاسخ به این سؤال که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی ارتباط معنادار وجود دارد یا خیر؟ نتایج ضد و نقیضی وجود دارد:

1-Ganesh

2-Wool folk

3-Paul Torrance

مفتاح (۱۳۸۱)، میرعلی یاری (۱۳۷۹)، برات وند (۱۳۷۶)، باتلر<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) برای<sup>۲</sup> (۱۹۹۵)، امدار<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۵) به این نتیجه در تحقیقات خود رسیدند که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری وجود دارد. فروغی (۱۳۷۵)، یوسفی (۱۳۷۴)، صمدی هره دشت (۱۳۷۳) و پتیوم<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۶۷) هیچ رابطه‌ای بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در تحقیقات خود نیافتند. ماروگاما<sup>۵</sup> همکارانش (۱۹۸۸) در تحقیق خود هیچ مدرکی دال بر اینکه پیشرفت تحصیلی و عزت نفس رابطه‌ای با یکدیگر دارند یا خیر، نیافتند. پاپ<sup>۶</sup> و همکاران (۱۹۸۹) تأیید نمودند عزت نفس مثبت و نمرات بالا در مدارس رابطه وجود دارد. مفتاح، بلوچی، میرعلی یاری دریافتند که تفاوت معناداری بین دختران و پسران در عزت نفس وجود ندارد. (نقل از عباسی، ۱۳۸۷)

پژوهشگران در مورد خلاقیت به این یافته‌ها رسیدند: جعفری (۱۳۸۷)، هادی‌نژاد (۱۳۸۷)، حاج جعفری (۱۳۸۵) و قاسمی کچلامی (۱۳۷۹) و نادریپور (۱۳۷۷) به این نتیجه رسیدند که دختران و پسران از نظر ویژگی خلاقیت با هم تفاوتی ندارند. ولی در تحقیق علیقلیان (۱۳۷۷) پسران نسبت به دختران از خلاقیت بیشتری برخوردار بودند. نتایج نشان می‌دهد که بین هوش و خلاقیت با علائق شغلی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. (تشکری، ۱۳۸۴)

## روش

روش تحقیق در این پژوهش همبستگی است. از ۸۰ نفر دانش آموز پایه دوم رشته ریاضی فیزیک و علوم تجربی دبیرستان‌های سمپاد شهر آمل به طور تصادفی انتخاب شدند که از روش همبستگی پیرسون،<sup>t</sup> مستقل و رگرسیون برای تجزیه و تحلیل آماری استفاده گردید. ابزار پژوهش شامل:

- 
- 1-Batler
  - 2-Bray
  - 3-Emdaoor
  - 4-Pottebaum
  - 5-Marugamma
  - 6-Pap

۱- آزمون عزت نفس کوپر اسمیت (۵۸ سؤالی)، که این پرسشنامه دارای ۵۸ ماده است که ۸ ماده آن دروغ سنج می‌باشد شیوه نمره‌گذاری آن به صورت صفر و یک است و پاسخ آن به صورت بله و خیر است.

۲- پرسشنامه سنجش خلاقیت CREE. (تورستون، میلنجر) این پرسشنامه دارای ۱۴۵ سؤال می‌باشد که پاسخ‌های آن به صورت بله یا خیر می‌باشد نمره فرد برابر استعداد دفعاتی است که جواب‌های او درست منطبق با جواب‌هایی است که افراد خلاق پاسخ می‌دهند.

۳- میانگین پیشرفت تحصیلی، برای سنجش پیشرفت تحصیلی از معدل ۱۸ در ترم اول سال تحصیلی ۸۹-۸۸ استفاده شده است.

### نتایج:

فرضیه اول: بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط وجود دارد.

شاخص آماری		df	r <sub>م</sub>	N	متغیر
α	r <sub>ب</sub>				
۰/۰۱	۰/۲۸۳	۷۸	۰/۰۴۵	۸۰	خلاقیت پیشرفت تحصیلی

چون ضریب همبستگی محاسبه شده ( $r=0/045$ ) در سطح اطمینان  $0/99$  ( $\alpha=0/1$ ) و درجه آزادی  $df=78$  از ضریب همبستگی جدول بحرانی ( $r=0/283$ ) کوچکتر است بنابراین، فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود و در نتیجه از لحاظ آماری بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. با تعیین ضریب تعیین نتیجه می‌گیریم:  $20\%$  واریانس پیشرفت تحصیلی به وسیله نمرات خلاقیت قابل تبیین است.

فرضیه دوم: بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط وجود دارد.

شاخص آماری		df	r <sub>م</sub>	N	متغیر
α	r <sub>ب</sub>				
۰/۰۱	۰/۲۸۳	۷۸	۰/۱۵	۸۰	عزت نفس پیشرفت تحصیلی

چون ضریب همبستگی محاسبه شده ( $r=0/15$ ) در سطح اطمینان  $0/99$  ( $\alpha=0/01$ ) و  $df=78$  از ضریب همبستگی جدول بحرانی ( $r=0/283$ ) کوچکتر می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. با تعیین ضریب تعیین نتیجه می‌گیریم که  $2/25\%$  واریانس پیشرفت تحصیلی توسط نمرات عزت نفس قابل تبیین است.

فرضیه سوم: بین میزان خلاقیت در دانش‌آموزان رشته ریاضی فیزیک و علوم تجربی تفاوت وجود دارد.

$\alpha$	$t_b$	df	$t_m$	SD	M	N	شاخص آماری
							گروه‌ها
0/01	2/617	78	1/27	11/88	62/1	80	ریاضی
				18/10	66/47		تجربی

چون  $t$  محاسبه شده ( $t_m=1/27$ ) در سطح احتمال  $99\%$  و  $df=78$  از مقدار  $t$  جدول بحرانی ( $t_b=2/617$ ) کوچکتر است. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که بین خلاقیت و رشته تحصیلی از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. فرضیه چهارم: بین میزان عزت نفس در دانش‌آموزان رشته ریاضی فیزیک و علوم تجربی تفاوت وجود دارد.

$\alpha$	$t_b$	df	$t_m$	SD	M	N	شاخص آماری
							گروه‌ها
0/01	2/617	78	0/41	7/64	36/55	80	ریاضی فیزیک
				6/64	37/22		تجربی

چون  $t$  محاسبه شده ( $t_m=0/41$ ) در سطح احتمال  $99\%$  و  $df=78$  از مقدار  $t$  جدول بحرانی ( $t_b=2/617$ ) کوچکتر است، بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که بین میزان عزت نفس و رشته تحصیلی از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد.



فرضیه پنجم: بین میزان خلاقیت در دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت وجود دارد.

$\alpha$	$t_b$	df	$t_m$	SD	M	N	شاخص آماری
							گروه‌ها
0/01	۲/۶۱۷	۷۸	۰/۰۷	۱۵/۸۶	۶۴/۴۲	۸۰	دختر
				۱۵/۰۷	۶۴/۱۵		پسر

چون  $t$  محاسبه شده ( $t_m = ۰/۴۱$ ) در سطح احتمال ۹۹٪ و  $df=۷۸$  از مقدار  $t$  جدول بحرانی ( $t_b = ۲/۶۱۷$ ) کوچکتر است، بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که بین میزان خلاقیت و جنسیت از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه ششم: بین عزت نفس و خلاقیت و پیشرفت تحصیلی ارتباط وجود دارد.

F	MS	df	SS	منابع تغییرات
۱/۲۵	۰/۰۱۵	۲	۱/۴۲	رگرسیون
	۰/۰۱۲	۷۷	۴۰/۵۳	باقی مانده
		۷۹	۴۱/۹۵	کل

چون  $F$  محاسبه شده ( $F = ۱/۲۵$ ) در سطح اطمینان ۹۹٪ با  $df$  برابر با ۷۷،۲ از  $F$  جدول بحرانی ( $F = ۶/۹۶$ ) کوچکتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم که میان عزت نفس و خلاقیت و پیشرفت تحصیلی همبستگی معناداری وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش به این نتایج دست یافت که بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط معناداری وجود ندارد. بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط معناداری

وجود ندارد. بین خلاقیت و رشته تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود ندارد. بین عزت نفس و رشته تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود ندارد. بین خلاقیت و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد و بین عزت نفس و خلاقیت و پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری وجود ندارد که با یافته‌های محققان زیر همسو است: مفتاح (۱۳۸۱)، بلوچی (۱۳۸۰)، یوسفی (۱۳۷۴)، صمدی هره دشت (۱۳۷۳) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بین عزت نفس دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. فروغی (۱۳۷۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان غیرورزشکار همبستگی معناداری وجود ندارد. صمدی هره دشت (۱۳۷۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی همبستگی وجود ندارد. ماروگاما و همکاران (۱۹۸۸)، پتیوم و همکاران (۱۹۶۷) در تحقیق خود هیچ رابطه‌ای بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی نیافتند. جعفری (۱۳۷۳)، هادی‌نژاد (۱۳۸۷)، حاج‌جعفری (۱۳۸۵)، نادرپور (۱۳۷۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بین خلاقیت و جنسیت از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. تشکری (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین هوش، خلاقیت و علائق شغلی و انتخاب رشته دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. کچلامی (۱۳۷۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که میانگین نمرات خلاقیت دختران و پسران با هم برابر می‌باشد.

#### فهرست منابع:

۱. آزاد، حسین، (۱۳۷۶)، آسیب شناسی روانی، بعثت، تهران.
۲. بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۴)، روش‌های پیشگیری از افت تحصیلی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران.
۳. بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۲)، روان شناسی نوجوانان، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۴. برک، لورا ای، (۱۳۸۱)، روان شناسی رشد، (عصمت دانش، مترجم)، ارسباران، تهران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۷)
۵. سلیمانی، افشین، (۱۳۸۴)، کلاس خلاقیت، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران.
۶. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۸)، روان شناسی پرورشی نوین، لوران، تهران.

۷. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۴)، روان شناسی رشد ، اطلاعات، تهران.
۸. شیهیان، ایلین، (۱۳۸۳)، عزت نفس، (مهدی گنجی، مترجم) ، ویرایش تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد، تهران.
۹. حائری زاده، خیریه بیگم؛ محمد حسین، لیلی، (۱۳۸۱)، تفکر خلاق و حل خلاقانه مسأله، نی، تهران.
۱۰. عباسی، احمد، (۱۳۸۷)، خلاقیت شناسی، کلید سبک‌های رهبری، مجموعه مقاله های همایش منطقه ای، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد.
۱۱. فیست، جس؛ فیست، گریگوری جی، (۱۳۸۷)، نظریه‌های شخصیت، (یحیی سید محمدی، مترجم)، دوران، (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۷) تهران.
۱۲. هنری ماسن، پاول - کیگان، جروم، و همکاران، (۱۳۷۵)، رشد و شخصیت کودک، (مهشید یاسایی، مترجم) ، ماد (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد)، تهران.
۱۳. یزدانی، محمدابراهیم، (۱۳۸۴ زمستان)، رشد و شکوفایی خلاقیت در کودکان، گاهنامه معلم مشاور، آموزش و پرورش مازندران.

14-<http://persianarticle.ir>

15-<http://opac.nlai.ir>